



A Sociological Study of the Transformations in Women’s Economic Roles and its Effects on Rural Household Livelihoods (Case Study: Joshaq Village, Delijan County)

Somayeh Haghi¹

1. Department of Social Sciences Education, Farhangian University, Tehran, Iran. E-mail: s.haghi@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 14 November 2024

Received in revised form: 01
January 2025

Accepted: 19 January 2025

Published online: 15 March
2025

Keywords:

Economic Role, Joshaq
Village, Livelihood, Role
Transformation, Rural
Household, Rural Women.

ABSTRACT

Despite the transformations in women’s roles, their responsibilities have not vanished; rather, they have evolved in response to the changes, to the extent that women continue to play a significant role in maintaining domestic livelihoods, particularly in rural areas. The present study is an endeavor to conduct a sociological investigation into the transformations in the economic duties of women and their impact on the livelihood of rural households.

In the current qualitative study, 36 women from the Joshaq Village of Delijan County were selected using purposive, convenience, and snowball sampling methodologies. The grounded theory approach was employed to analyze the data collected from 22 individual and group interviews conducted with rural women in the region.

The results indicate that, in the past, women had a significant contribution in agricultural and pastoral activities, with marketing, selling, and processing a large portion of products being among their responsibilities. Not only did the fulfillment of these responsibilities assist in meeting household requirements, but they also provided a critical economic resource for rural families. Additionally, women contributed to household income through carpet weaving. Nevertheless, the economic activities of women have undergone significant transformations due to various factors, including the decline in agricultural activities, monoculture farming, changing agricultural practices, children’s migration, increased autonomy and decision-making power, and changes in lifestyle. These transformations have been influenced by intervening factors such as evolving living conditions, increased awareness and education levels among women, the diversification of life amenities, and the growing resemblance between urban and rural lifestyles. Women continue to contribute to household livelihoods through various means, including acquiring new skills, employment outside the home and village, and participation—albeit to a limited extent—in seasonal flower harvesting and carpet weaving, despite the fact that this role transformation has resulted in an increase in consumerism and household dependency in rural areas.

Although the transformation of women’s economic roles has resulted in a reduction in their self-sufficiency, an increase in dependence on extra-familial institutions, and an alteration of some of their economic activities, rural women continue to make efforts to contribute to the survival of their households.

Cite this article: : Haghi, S. (2025). A Sociological Study of the Transformations in Women’s Economic Roles and its Effects on Rural Household Livelihoods (Case Study: Joshaq Village, Delijan County). *Community Development (Rural-Urban)*, 16 (2):385-406. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.390395.668905>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.390395.668905>

مطالعه جامعه‌شناختی دگرگونی‌های نقش اقتصادی زنان و اثرات آن بر تأمین معیشت خانوار

روستایی (مورد مطالعه: دهستان جوشق، شهرستان دلیجان)

سمیه حقی^۱۱. نویسنده مسئول، گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: s.haghi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۲۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵</p>	<p>از دیرباز، زنان بخش عمده‌ای از کارکردهای خانواده اعم از نقش خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و... را برعهده داشته‌اند. با وجود دگرگونی‌های ایجادشده در نقش‌های زنان، ایفای این وظایف نه تنها از بین نرفته، بلکه با تغییرات حاصل شده، هنوز هم زنان سهم عمده‌ای در تأمین معیشت خانوار، به‌خصوص در مناطق روستایی دارند. پژوهش حاضر با هدف مطالعه جامعه‌شناختی دگرگونی‌های نقش اقتصادی زنان و اثرات آن بر تأمین معیشت خانوار روستایی انجام شده است. در این پژوهش کیفی، ۳۶ زن دهستان جوشق، شهرستان دلیجان، به روش نمونه‌گیری هدفمند، دردسترس و گلوله‌برفی به‌عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند. اطلاعات از ۲۲ مصاحبه فردی و جمعی با زنان روستایی این منطقه، با بهره‌گیری از نظریه بنیانی تجزیه و تحلیل شد.</p> <p>مطابق نتایج، زنان در گذشته مشارکت گسترده‌ای در فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری داشتند. بازاریابی، فروش و فرآوری بخش عمده‌ای از محصولات، برعهده زنان بود که از این طریق، هم نیاز خانواده تأمین می‌شد و هم منبع اقتصادی مهمی برای خانوار به‌شمار می‌رفت. علاوه‌براین، آن‌ها با قالی‌بافی بخشی از درآمد خانواده را تأمین می‌کردند، ولی فعالیت‌های اقتصادی زنان تحت تأثیر کاهش فعالیت‌های کشاورزی، تک‌محصولی شدن، کاهش تعداد دام‌ها، تغییر سبک کشاورزی، مهاجرت فرزندان، آزادی عمل و حق انتخاب، و تغییر سبک زندگی دگرگون شده است. تغییر شرایط و محیط زندگی زنان، افزایش آگاهی و سطح تحصیلات آن‌ها، متنوع شدن امکانات زندگی و مشابهت زندگی شهری و روستایی، از عوامل مداخله‌گر در این دگرگونی بوده‌اند. پیامد این دگرگونی نقشی، اگرچه مصرف‌گرایی و وابستگی خانوار روستایی است، باز هم تلاش‌هایی توسط زنان برای تأمین معیشت خانوار وجود دارد. آن‌ها با یادگیری مهارت‌های جدید، شغل بیرون از خانه و حتی روستا، مشارکت محدود در گل‌چینی و قالی‌بافی به اقتصاد خانواده کمک می‌کنند.</p> <p>دگرگونی نقش اقتصادی زنان، اگرچه برخی از فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها را دستخوش تغییر کرده است، وابستگی به نهادهای بیرونی را افزایش داده و از خودکفایی آن‌ها کاسته است، ولی باز هم تلاش زنان برای مؤثر بودن در تأمین معیشت خانوار تداوم دارد.</p>
<p>کلیدواژه‌ها: زنان روستایی، معیشت، نقش اقتصادی، دگرگونی نقشی، خانوار روستایی، دهستان جوشق.</p>	

استناد: حقی، سمیه (۱۴۰۳). تحلیل جامعه‌شناختی دگرگونی‌های نقش اقتصادی زنان و اثرات آن بر تأمین معیشت خانوار روستایی (مورد مطالعه: دهستان جوشق، شهرستان دلیجان). توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۶(۲): ۳۸۵-۴۰۶. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.390395.668905>



© نویسندگان

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.390395.668905>

۱. مقدمه و بیان مسئله

تجارب حاصل از توسعه در دهه ۱۹۶۰ حکایت از آن داشت که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه، با تأکید بر جنبه‌های اقتصادی از عامل جنسیت غافل بودند؛ زیرا تصور عمومی بر آن بود که آثار رشد اقتصادی بر زنان و مردان یکسان است. با عدم موفقیت این برنامه‌ها در تحقق اهداف خود، برنامه‌های توسعه در دهه ۱۹۷۰ با تأکید بر همه‌افشار و گروه‌های اجتماعی تدوین شدند تا افراد قادر به بهره‌مندی از مزایای پیشرفت جوامع باشند. امروزه یکی از مباحث مهم در سنجش میزان توسعه‌یافتگی جوامع، از یک سو میزان بهره‌مندی تمام افشار و گروه‌های انسانی از دستاوردهای توسعه است. از سوی دیگر، میزان مشارکت همه‌افراد و گروه‌ها در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، بازتاب شرایط مطلوب همه‌افشار جامعه است. از این منظر زنان، هم باید از دستاوردهای توسعه برخوردار شوند و هم در توسعه جوامع نقش ایفا کنند؛ زیرا فعالیت‌های گوناگون آنان به‌عنوان نیمی از نیروی کار در جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه، بخش جدایی‌ناپذیر پیشرفت کشورها محسوب می‌شود.

طبق شواهد تاریخی، قدمت حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، مربوط به آغاز زندگی اجتماعی انسان است که با ایفای نقش در زمینه‌های تولیدی و غیرتولیدی به بقای خانوار و رشد جوامع یاری می‌رسانند. زنان در مناطق روستایی با فعالیت‌های متعدد خود، علاوه بر تأمین نیازهای خانواده، در حیات اقتصادی روستاها سهیم بودند. در دوره کنونی، دگرگونی‌های شدید در ساختار خانواده در ایران و جهان از قبیل افزایش تحصیلات، تقسیم‌کار بین زن و مرد، افزایش دامنه انتخاب‌های زنان، افزایش سن ازدواج، تبدیل خانواده گسترده به هسته‌ای، کاهش بعد خانوار و... نقش‌های زن و مرد را دچار تحول کرده است. این تغییرات، نقش و حضور زنان در برخی از حوزه‌ها را بیشتر کرده است، ولی باز هم با وضعیت مطلوب بسیار فاصله دارد؛ برای مثال، با اینکه نقش زنان در بعد آموزش قابل قبول است، در سطوح اقتصادی و مدیریتی، تناسبی بین شایستگی‌های آنان و نقش‌های محول شده وجود ندارد. طبق گزارش مجمع جهانی اقتصاد^۱ (۲۰۲۲) در بعد مشارکت اقتصادی، به‌عنوان یکی از شاخص‌های شکاف جنسیتی، ایران رتبه ۱۴۴ را در بین ۱۴۶ کشور دارد که نشان‌دهنده وضعیت مطلوبی در این زمینه نیست. طبق آمار، نرخ مشارکت زنان در بازار کار ایران، اختلاف زیادی با مشارکت اقتصادی مردان دارد. براین اساس، در سال ۱۳۹۵ نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۴/۳ درصد و نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۶۳/۷ درصد بوده است. وضعیت مشارکت اقتصادی زنان در ایران، از نرخ مشارکت اقتصادی آنان حتی در کشورهای آفریقایی و عربی^۲ نیز کمتر است. این در حالی است که شرایط اقتصادی-اجتماعی جامعه، نقش اقتصادی زنان را در تأمین هزینه‌های زندگی ضروری کرده، ولی وجود موانع ساختاری و نگرش‌های فرهنگی برای ایفای نقش‌های اقتصادی و مشارکت آن‌ها در تأمین زندگی خانوار، یکی از موانع رسیدن به پیشرفت فردی و جمعی قلمداد می‌شود. دیدگاه‌های سنتی به زنان به همراه تعدد مسئولیت‌های آنان در محیط خانه و کار، تبعیض‌های جنسیتی، قوانین مردانه و... موانع اجتماعی و فرهنگی مهمی برای ایفای نقش اقتصادی زنان به‌شمار می‌روند. هنوز بسیاری باور دارند که زنان باید به ایفای نقش‌های سنتی خود یعنی خانه‌داری و فرزندپروری بپردازند و نقش اقتصادی فقط مختص مردان است. این در حالی است که تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد ایفای نقش اقتصادی و اشتغال زنان، به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی خود، جامعه و خانواده می‌انجامد؛ بنابراین آثار مثبت ایفای نقش اقتصادی برای زنان امروزی مختص خود و خانواده نیست.

1. World Economic Forum

۲. نرخ مشارکت زنان در کشورهای آفریقایی ۲۲ درصد و در کشورهای عربی و مسلمان ۱۹ درصد است (گزارش سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۱۸).

در مناطق روستایی، زنان فعالان پنهان اقتصاد روستایی‌اند؛ بنابراین، لزوم استفاده از نیروی کار آنان و بهره‌برداری از منابع محلی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بهره‌گیری از قدرت اقتصادی زنان، بهره‌گیری جدی از قدرت، تفکر، ابداع و خلاقیت آنان در عرصه مدیریت خانواده است. عدم بهره‌گیری از این توان زنان و ضعف اقتصادی خانوار، در بسیاری از مواقع به کاهش کیفیت زندگی، افزایش مهاجرت فرزندان، فقر و محرومیت خانوار روستایی می‌انجامد. همسو با دگرگونی‌های جامعه و روستاها، تغییر در نهاد خانواده، جایگاه زنان روستایی را نیز دستخوش تغییر کرده است. صنعتی‌شدن، دگرگونی ارزش‌ها، آداب‌ورسوم، گسترش خانواده هسته‌ای، دگرگونی در کارکردهای سنتی به‌خصوص در بعد اقتصادی آن، کاهش اقتدار مردان، افزایش تحصیلات و خودآگاهی آنان، کاهش همیاری‌های سنتی، کاهش روابط بین خویشان و نزدیکان، مشابهت زندگی شهری و روستایی و... نقش‌های زنان را دگرگون کرده است. این در حالی است که باور به اهمیت حضور زنان در عرصه‌های مختلف به‌تبع افزایش هزینه‌های زندگی در سالیان اخیر و ضرورت مشارکت در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده، رسیدن به استقلال مالی همگام با کسب وجهه اجتماعی را به یک نیاز روزافزون در بین زنان روستایی تبدیل کرده است. آن‌ها تلاش می‌کنند با حضور فعال در عرصه‌های اقتصادی، با ایفای نقش خود، گامی در جهت تأمین هزینه‌های خانوار بردارند. برای زنان دهستان جوشق^۱ و روستاهای آن (لاران، ریجان، مهدی‌آباد، خاوه، بهار و جوشق) نیز خودکفایی اقتصادی و مالی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. مطابق این ضرورت، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است: زنان دهستان جوشق، چه نقشی در تأمین معیشت خانوار خود ایفا می‌کنند؟ عوامل مؤثر بر دگرگونی نقش اقتصادی آن‌ها چیست و آنان برای پیشبرد این نقش از چه راهبردهایی بهره می‌برند؟

۲. پیشینه تجربی پژوهش

در دنیای مدرن امروزی، نقش و جایگاه زنان در پیشبرد اهداف توسعه در ابعاد مختلف آن، شناخته‌شده است و با توجه به اهمیت حضور زنان در جامعه، این نقش روزبه‌روز برجسته‌تر می‌شود. تاکنون پژوهشی که به دگرگونی نقش اقتصادی زنان بپردازد، انجام نشده است. تنها منبع موجود در این زمینه، کتاب دگرگونی در نقش زنان نوشته شهلا اعزازی (۱۳۹۰) است. این کتاب عمدتاً به دگرگونی ساختار خانواده اشاره دارد و کمتر به نقش‌های زنان، به‌خصوص نقش اقتصادی آن‌ها توجه کرده است؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف مطالعه دگرگونی در نقش اقتصادی زنان، بدیع است. در زمینه ایفای نقش اقتصادی زنان، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. با مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده، می‌توان آن‌ها را در سه گروه دسته‌بندی کرد.

دسته اول پژوهش‌هایی هستند که به نقش یا مشارکت اقتصادی زنان روستایی به‌خصوص در زمینه کشاورزی اشاره دارند. زنان روستایی با مشارکت خود در فعالیت‌های کشاورزی، فرآوری و پردازش محصولات، به تأمین معیشت خانوار کمک می‌کنند. مهم‌ترین پژوهش‌ها، در این زمینه در جدول ۱ آمده است.

۱. دلیل انتخاب این دهستان به‌عنوان نمونه پژوهش، آشنایی نگارنده با اهالی و زنان این روستاها به‌دلیل انجام رساله دکتری و پایان‌نامه کارشناسی ارشد است. همچنین روابط دوستانه با برخی از خانواده و زنان روستایی، نقش موثری در همکاری زنان این دهستان داشته است.

جدول ۱. پژوهش‌های مربوط به مشارکت و فعالیت اقتصادی زنان

نویسنده	سال	منطقه	نتایج
رانکونا ^۱	۲۰۱۶	استان لیمپوپ / آفریقای جنوبی	زنان بومی چگونگی کار کشاورزی، پرداختن به امور زراعی در مقیاس وسیع و حتی مقیاس کوچک (باغچه منزل خود)، شخم‌زدن زمین‌ها، نگهداری بذر برای کشت‌های آتی و... را با اطلاعات بومی خود انجام می‌دهند.
گولاجد و همکاران ^۲	۲۰۱۵	نیجریه	زنان از روش‌های مختلفی مانند برداشت میوه‌ها، شستن میوه‌ها، خردکردن، خشک کردن، انتخاب دانه، ترک دادن دانه، سرخ کردن دانه‌ها، فریز کردن دانه‌ها، جامدسازی و بسته‌بندی به بهره‌وری محصولات کشاورزی با بهره‌گیری از دانش بومی خود کمک می‌کنند که به نوعی یاریگر خودکفایی اقتصاد خانوار است.
ماهامبی ^۳	۲۰۱۴	سوازیلند	استفاده از دانش بومی زنان برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در زمینه صنایع دستی موجب دستیابی این زنان به نتایج مطلوبی از جمله تأمین معیشت خانوار شده است. با اینکه درآمد حاصل از این امور محدود است، تداوم آن، نقش مهمی در اقتصاد خانواده‌ها دارد.
داس گاپتا آشاک ^۴	۲۰۱۳	بنگال	زنان با تکیه بر دانش بومی خود، علاوه بر کار خانگی، در واحدهای تولیدی مختلف در قالب گروه‌های خودجوش فعالیت می‌کنند و قادرند در راستای توانمندی اقتصادی خود و خانواده گام بردارند و علاوه بر تأمین نیازهای مالی با سرمایه‌گذاری در منطقه محل سکونت خود، به توسعه آن یاری رسانند.
عثمان اینف ^۵	۲۰۱۲	مناطق روستایی سودان	مسئولیت و نقش زنان در روستاهای سودان در دستیابی به امنیت غذایی خانوار از آنجا آشکار می‌شود که آنان مسئول ذخیره‌سازی و بهره‌وری محصولات‌اند. تهیه غذاهای بومی به‌عنوان یک غذای سالم و ارزان از ابتکارات زنان است. آنان با این شیوه با بهره‌گیری از فرهنگ بومی خود به اقتصاد خانواده کمک می‌کنند.
غفاری و ترکی هرچگانی	۱۳۹۰	روستاهای بخش فارس	مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف روستایی به کسب یک موقعیت شغلی و افزایش درآمد کمک می‌کند.
مشیری، مهدوی حاجیلو و علیایی	۱۳۸۸	شهرستان هامون	کسب درآمد، دستیابی به یک موقعیت شغلی و گاه خوداتکایی عامل مهمی در افزایش میزان مشارکت اقتصادی زنان روستایی و ایفای نقش اقتصادی در زندگی فردی و جمعی آنان به‌شمار می‌رود.

دسته دوم، پژوهش‌هایی هستند که به عوامل مؤثر بر فعالیت‌های اقتصادی زنان پرداخته‌اند. اطلاعات این پژوهش‌ها در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. پژوهش‌های مربوط به عوامل مؤثر بر فعالیت‌های اقتصادی زنان

نویسنده	سال	نتایج
کروزمترا ^۶	۲۰۰۴	با تأکید بر بهره‌وری پایین بخش کشاورزی، نبود فرصت‌های اقتصادی و اشتغال غیرزراعی و بیکاری، به‌عنوان چالش‌های اصلی جامعه روستایی کشور جمهوری لتونی، وی ضروری‌ترین وظیفه توسعه روستایی را توانمندسازی زنان برای کنترل آنان بر منابع و تصمیم‌هایی دانسته که بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارند.
مالهاترا، شولر و بوبندر ^۷	۲۰۰۲	عوامل مختلفی را برای توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در نظر می‌گیرند که عبارت‌اند از: عوامل اقتصادی (شامل کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام و...)، عوامل اجتماعی (شامل آزادی زنان برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی)، عوامل خانوادگی (شامل قدرت تصمیم‌گیری در مورد امور مختلف خانواده)، عوامل سیاسی (شامل شرکت در انتخابات و مناسبت‌های سیاسی)، عوامل قانونی (شامل آگاهی از حقوق شهروندی) و عوامل روان‌شناختی (شامل عزت‌نفس، خودکارآمدی و...)

1. Sejabaledi Agnes Rankoana
2. Gbolagade et al.
3. Mhambi Moses Ndlangamandla
4. Das Gupta Ashok
5. Osman Ibnouf
6. Kruzmetra
7. Malhotra, Schuler, & Boender

نویسنده	سال	نتایج
محسنی تبریزی و همکاران	۱۳۹۹	سن، تحصیلات، میزان سوگیری جنسیتی فرد (کلیشه‌های جنسیتی)، میزان میل به پیشرفت، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، وضعیت اقتصادی خانوار، میزان برخورداری روستاها از امکانات توسعه‌ای و فاصله روستا تا شهر در قالب عوامل فردی، اجتماعی و خانوادگی تأثیر چشمگیری بر مشارکت زنان در معیشت خانوارهای روستایی مورد مطالعه دارند.
جلیلیان و سعدی	۱۳۹۴	آرزوها و ترجیحات فردی، نیاز به موفقیت، اعتمادبه‌نفس و رضایت از زندگی عواملی مهم در انگیزش به‌کار زنان محسوب می‌شوند.
برقی و همکاران	۱۳۹۲	علاوه بر اینکه سهم زنان در فعالیتهای دامداری بیش از نقش آنها در امور باغی و زراعی است، سن عامل مهمی در ایفای نقش زنان در فعالیتهای کشاورزی به‌شمار می‌رود.
میرترابی، حجازی و حسینی	۱۳۹۱	مشارکت زنان متأهل بیش از زنان مجرد است. همچنین عواملی مانند تعداد فرزندان، تعداد اعضای خانوار، استفاده از منابع اطلاعاتی و استفاده از فناوری‌های مختلف در افزایش مشارکت تأثیر مثبت دارد.
سروش‌مهر و همکاران	۱۳۸۹	فرصت‌های شغلی، سطح سواد زنان، تعداد فرزندان، پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان، سطح سواد همسر، سطح سواد مادر، موقعیت شغلی پدر خانواده و دسترسی به رسانه‌های جمعی نیز در فعالیتهای اقتصادی زنان مؤثر است.
مشیری، مهدوی حاجیلو و علیایی	۱۳۸۸	آموزش فعالیتهای روستایی در محیط روستا برای زنان تحصیل کرده مناسب نیست. همچنین افزایش سن به افزایش مشارکت زنان روستایی منجر می‌شود. بدین معنا که زنان میانسال و سالمند تمایل بیشتری به مشارکت در امور کشاورزی دارند.
لهسایی‌زاده، جهانگیری و خواجه‌نوری	۱۳۸۴	نوع نگرش زنان به شغلشان (خودآثربخشی) و اینکه فعالیتی که انجام می‌دهند برای خود و جامعه مفید است، به افزایش مشارکت آنها در این زمینه منجر می‌شود.

دسته سوم، پژوهش‌هایی هستند که به موانع مشارکت و فعالیت اقتصادی زنان پرداخته‌اند. در برخی از این پژوهش‌ها بیان شده که با اینکه زنان نقش عمده‌ای در تأمین هزینه‌های خانوار دارند، دسترسی آنها به زمین‌های کشاورزی، دارایی خانواده و... بسیار محدود است. به عبارت دیگر، آنها نقش پررنگی در تصمیم‌گیری‌های عمده اقتصادی خانوار ندارند.

جدول ۳. پژوهش‌های مربوط به موانع مشارکت و فعالیت اقتصادی زنان

نویسنده	سال	منطقه	نتایج
کمال و شارما ^۱	۲۰۲۳	هند	موانع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فشار تعارض نقش‌های خانوادگی و تولیدی، عدم حمایت خانواده به‌ویژه برای افراد متأهل، مانع فعالیت اقتصادی زنان است.
قوسه ^۲ و همکاران	۲۰۲۱	عمان	سرمایه‌گذاری‌های تجاری، ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی، آموزشی، اجتماعی-فرهنگی، امکانات، موانع حقوقی، مالی و اقتصادی، سازمانی و جغرافیایی، موانع پیش‌روی زنان عمان هستند.
صالح ^۳ و مانجیناز	۲۰۲۰	یمن	مسائل سیاسی، قانونی، عدم مدیریت و شیوه‌های صحیح مدیریتی، مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که زنان روستایی با آن مواجه‌اند.
کاراسی ^۴	۲۰۱۸	آفریقا	فرصت‌های نابرابر برای زنان و مردان در دسترسی به منابع دولتی مثل آموزش و امور مالی، چالش‌های پیش‌روی زنان روستایی هستند.

1. Komal & Sharma
2. Ghouse
3. Saleh & Manjunath
4. Karasi

نویسنده	سال	منطقه	نتایج
کومبار ^۱	۲۰۱۳	هند	نبود برنامه مشخص برای زندگی، ضعف آزادی مالی، نبود مالکیت مستقیم بر دارایی، ناآگاهی از ظرفیت خود و ریسک‌پذیری پایین مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی هند هستند.
فرضی‌زاده و فیروزآبادی	۱۳۸۸	روستای میانه، استان گیلان	عواملی مانند تأثیرپذیری از جامعه شهری، خود با زنان و دختران شهرنشین، نگرش منفی والدین به روستائینی فرزندان خود و انجام فعالیت‌های روستایی توسط آن‌ها و تفاوت شهر و روستا به لحاظ برخورداری از برخی از امکانات زندگی به کاهش فعالیت‌های کشاورزی توسط زنان منجر شده است.
دادورخانی	۱۳۸۵	استان گیلان	ساختار مالکیت اراضی، سواد، انزوای جغرافیایی و منزلت پایین مشاغل کشاورزی نزد زنان، تسلط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مرد در جامعه روستایی و وابستگی زنان به آنان، تبعیض در اشتغال، فراهم نبودن فرصت‌های کافی برای تحصیل زنان و کسب مهارت‌های لازم، عدم دسترسی به منابع و نهاده‌ها از مهم‌ترین عوامل بازدارنده ذکر شده‌اند.
حمزه‌لو	۱۳۸۱	خمین	فرهنگ سنتی حاکم بر مناطق روستایی و عدم دسترسی زنان به عوامل اصلی تولید، مسائل جمعیتی، ناآگاهی زنان روستایی از حقوق خود به عدم مشارکت اقتصادی آنان می‌انجامد.

طبق یافته‌های پژوهش‌های گروه سوم، گرچه افزایش مشارکت زنان سهم مهمی در اقتصاد خانواده دارد، در اشتغال آنان نوعی بی‌ثباتی توأم با درآمد کم ملاحظه می‌شود (جوان و همکاران، ۱۳۸۷). با وجود تلاش‌های زیاد زنان در جوامع روستایی، نقش این گروه غالباً در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی نادیده گرفته می‌شود. در بیشتر مواقع کاری که زنان در بخش کشاورزی و دامداری انجام می‌دهند، از نوع پنهان است؛ یعنی دستمزدی برای آن در نظر گرفته نمی‌شود، اگرچه فعالیت آن‌ها تأثیر مثبتی در ارتقای سطح رفاه خانواده دارد (میرلطفی، باندانی و شهرکی، ۱۳۹۲). زنان در نبود مردان (مهاجرت آنان) امکان تجربه مدیریت و تصمیم‌گیری دارند و با افزایش زمان مهاجرت مردان، قدرت تصمیم‌گیری زنان در امور گوناگون افزایش می‌یابد. این امر، پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری برایشان ایجاد می‌کند و توان تصمیم‌گیری در این امور را افزایش می‌دهد (دادورخانی، ۱۳۸۳). همچنین داشتن درآمد مستقل، اشتغال، سابقه کار، اتخاذ تصمیمات منطقی و باتجربه بودن از عوامل مهمی است که بر قدرت تصمیم‌گیری زنان متأهل شاغل افزوده است (مظفرامینی و احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۸).

با مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه نقش‌های زنان می‌توان پی برد که محققان در بیشتر این پژوهش‌ها، به نقش اقتصادی زنان ذیل فعالیت‌های کشاورزی توجه داشته‌اند. به باور این محققان، زنان با ایفای نقش در تمام مراحل تولید کشاورزی و حتی فرآوری و پردازش محصولات، در اندیشه یاری‌رساندن به تأمین معیشت خانوار هستند. همچنین پژوهشگران با برجسته کردن عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی به تأثیر آن‌ها بر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان پرداخته‌اند. در برخی دیگر از آن‌ها نیز موانع فرهنگی (ساختار حاکم، آداب و رسوم سنتی، رواج دیدگاه‌های مردسالارانه و...) و نیز موانع اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین موانع جدی بر سر راه ایفای نقش‌های اقتصادی و اجتماعی زنان معرفی شده‌اند.

همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، با توجه به نبود پیشینه مطالعاتی درباره موضوع مورد مطالعه، با مرور این پژوهش‌ها، ضمن شناسایی نقش‌های اقتصادی زنان روستاهای مورد مطالعه در گذشته و حال، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر دگرگونی نقش اقتصادی زنان مطالعه می‌شود. همچنین با توجه به عوامل مداخله‌گر و زمینه‌ای و پیامدها، راهبردهای گوناگون زنان برای ایفای این نقش مهم برجسته خواهد شد.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

زندگی و رفع نیازهای مادی، هر انسانی را از هر جنس به اتخاذ تصمیم و انجام کارهایی در حد توان و موقعیت و امکانات وادار می‌کند (حجازی، ۱۳۸۱: ۲۹۹). در این میان زنان نیز همواره درصدد رفع نیازهای متعدد اقتصادی خود و خانواده برمی‌آیندند. در جامعه بدوی (غارنشینی)، زن گذشته از آنکه نگهبان آتش و شاید اختراع‌کننده و سازنده ظروف سفالین بود، چوبدستی به‌دست می‌گرفت و در کوه‌ها به جستجوی ریشه‌های خوردنی یا جمع‌آوری میوه‌های وحشی می‌پرداخت. شناسایی گیاهان و فصل روییدن آن‌ها و دانه‌هایی که می‌آورد، مولود مشاهدات طولانی و مداومی بود که زن را به آزمایش کشت و زرع هدایت کرد. پیوند گندم وحشی با برخی از انواع دیگر و کشت آن، جداکردن دانه‌های گندم و جو از پوست، خرمن‌کوبی و بوجاری، نان‌پختن، درست کردن آتش، تهیه آبگوشت در فلات ایران و شمال غربی آسیا به‌وسیله زنان صورت گرفته است (حجازی، ۱۳۸۵: ۳۲). در بیشتر جوامع کشاورزی، زنان سالمند مسئول حفظ و نگهداری بذر برای کاشت فصل بعد هستند. این نشان‌دهنده آن است که زنان قابلیت بیشتری در شناسایی گونه‌های گیاهی، انتخاب بذر، ذخیره‌سازی و مبادله بذر دارند (مامسن، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۳). علاوه بر کار کشاورزی در دوره‌های مختلف تاریخی، برای کمک به اقتصاد خانواده، زنان همواره نقش‌های گوناگونی را ایفا می‌کردند که از جمله آن‌ها ساخت صنایع‌دستی، کارگری و... است. در دوره هخامنشیان، زنان در کارهای ساختمانی و تولیدی مثل مردان شرکت داشتند (حجازی، ۱۳۸۵: ۱۴۴-۱۴۵)؛ برای نمونه در دوره صفوی، از کارها و اشتغالات درآمدزای زنان طبق تاریخ، نخ‌ریسی، پارچه‌بافی، گلیم‌بافی، قالیبافی و... بوده است (حجازی، ۱۳۸۱: ۲۹۸).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، زنان از دوران باستان در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده خود نقش مؤثری داشته‌اند. هنوز هم زن، بازوی اقتصادی قدرتمندی در خانواده است. در جامعه مدرن کنونی، نیمی از زنان با ایفای نقش خود در قالب مشاغل مختلف، سهمی مؤثر در تأمین اقتصاد خانواده دارند. حتی زنان خانه‌دار نیز با خانه‌داری، تولید صنایع‌دستی، مشاغل خانگی و... به‌نوعی ایفاگر این نقش مهم هستند. در دهه پنجاه میلادی با افزایش شمار زنان شاغل، جامعه‌شناسان تلاش‌هایی را برای توضیح مشارکت زنان در بازار کار آغاز کردند. پیش‌تاز این بررسی‌ها که بعد با چند بررسی دیگر همراه شد، کار میردال^۱ و کلاین (۱۹۵۶) با موضوع «نقش دوگانه زن» بود. از این بررسی‌ها برمی‌آید که روی آوردن زنان متأهل به کار بیرون از خانه پرسش‌برانگیز به‌نظر می‌رسیده است؛ زیرا زنان در تقسیم‌کار پذیرفته‌شده جنسیتی به عرصه‌های خانگی منحصر شده بودند. ارتباط طبیعی زن با نقش مادر و همسر، اصلی و بی‌چون‌وچرا بود و زن شوهردار از نظر مالی وابسته به مرد محسوب می‌شد؛ بنابراین برای توضیح مشارکت روزافزون زنان در بازار کار، بر میزان عرضه کار تکیه می‌کردند. گفته می‌شد زنان متأهل از این‌رو می‌توانند «برای کار از خانه بیرون بروند» که خانواده کوچک‌تر و کار کم‌زحمت‌تر شده است (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۰۱).

هلموت شلسکی^۲ با تأکید در پیشرفت جامعه بر اثر دگرگونی‌های نظام اقتصادی و سیاسی ادعا می‌کند که اقتصاد مدرن به‌سوی فروپاشی پیش می‌رود و در صورت انطباق خانواده با شرایط جدید، لاجرم سرنوشت خانواده نیز در جهت زوال و فروپاشی خواهد بود. شلسکی خانواده را تنها باقی‌مانده ثبات اجتماعی می‌داند و معتقد است شرایط مادی و اقتصادی باید خود را با ویژگی‌های خانواده انطباق دهند و حتی با وجود احتمال وجود ظلم و ستم در خانواده، بقا و دوام خانواده را به‌عنوان یک ضرورت مطرح می‌کند. شلسکی خانواده و جامعه را در تقابل با یکدیگر قلمداد می‌کند. زندگی در جامعه را دارای انضباط خشک و نظم کسالت‌آور و در مقابل خانواده را فضایی آکنده از احساسات مشترک، آرامش محیط انسانی و محبت می‌داند و به همین علت معتقد است خانواده باید به‌تنهایی مورد

1. Myrdal & Klein
2. Helmut Schlesky

بررسی قرار گیرد. شلسکی همچنین نظام خانواده را دارای سلطه طبیعی می‌داند و آن را در برابر سلطه انتزاعی جامعه قرار می‌دهد. از نظر شلسکی سلطه طبیعی مرد در خانواده ضروری و ضامن حفظ کارکردهای سنتی خانواده است و رشد و توسعه این سلطه طبیعی از عوامل موجودیت خانواده است. او نابرابری میان زن و مرد و عدم اشتغال به کار زنان را از عوامل ثبات خانواده ارزیابی می‌کند و بر این نظر است که کارکردن زن در بیرون از خانه، امنیت و موجودیت خانواده را که به وجود آورنده زیربنای معنوی رفتار است، با خطر مواجه می‌سازد و سبب نابسامانی در روابط اجتماعی درون خانواده می‌شود و روند تربیت فرزندان در محیطی سرشار از اعتماد و مراقبت، که آن را کارکرد ویژه و منحصر به فرد خانواده می‌داند، مختل می‌کند (اعزازی، ۱۴۰۱: ۱۱۹-۱۲۰).

تالکوت پارسونز^۱ که با نظریات خود در مورد تحولات خانواده، محور اصلی نظریات جامعه‌شناختی در حوزه خانواده را شکل داده است، اعتقاد داشت که فرایند توسعه صنعتی به تغییرات خانواده از شکل گسترده به خانواده هسته‌ای منجر شده است. خانواده هسته‌ای، تمام کارکردهای اجتماعی و اقتصادی خود را از دست داده و صرفاً به واحد سکونت و مصرف تبدیل شده است. از نظر پارسونز برای دستیابی به حداکثر کارکردهای خانواده هسته‌ای، وجود دو تفاوت اساسی در میان اعضای خانواده ضروری است؛ یکی دو قطب مخالف رهبری و زیردستان، و دیگری تقسیم کار بر اساس جنسیت که با تفکیک نقش‌های ابزاری^۲ و نقش‌های بیانگر^۳ مشخص می‌شود. نقش ابزاری بیشتر شامل حالات مردانه و نقش بیانگر بیشتر شامل حالات زنانه است. نقش مردان، تعیین پایگاه اجتماعی خانواده از طریق شغل و حفظ امنیت و آسایش خانواده از طریق درآمد شغلی است و نقش زن ایجاد روابط عاطفی (بیانگر) برای اعضای خانواده است که از مشکلات گوناگون اجتماعی رنج می‌برند (اعزازی، ۱۴۰۱: ۱۲۰-۱۲۱). پارسونز این تقسیم نقش را بهترین شکل برای حفظ وحدت خانوادگی می‌داند و تداخل هر نوع نقش دیگر را سبب برهم خوردن تعادل زندگی به حساب می‌آورد؛ چرا که معتقد است در حالت اشتغال، زن حالت بیانگر را از دست می‌دهد و به رقیب شغلی شوهر خود تبدیل می‌شود. رقابت زن و شوهر با یکدیگر به ناهماهنگی خانواده می‌انجامد.

نکته حائز اهمیت در نظریات این صاحب‌نظران حکایت از آن دارد که الگوی مرد نان‌آور خانوار و اشتغال زنان به‌عنوان یک موهبت مقطعی تلقی نمی‌شوند، بلکه از طریق نهادها و مکانیسم‌های متعدد و بر پایه فرایندی مستمر شکل می‌گیرند و درونی می‌شوند. این ایده اصلی به‌ویژه در تئوری‌هایی مانند تئوری جامعه‌پذیری^۴ و کنش متقابل نمادین^۵ مطرح شده است که دارای قدمتی طولانی در مطالعات و تحقیقات اجتماعی نیز هست. به عقیده صاحب‌نظران برجسته این تئوری‌ها مانند تایلور^۶ (۲۰۰۳) و لیندسی^۷ (۲۰۱۵)، ما انسان‌ها از همان دوران کودکی از طریق نهادها و مکانیسم‌های متعدد فرایند جامعه‌پذیری، انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی جامعه را فرامی‌گیریم و بر همان اساس به تدریج با دیگران کنش متقابل برقرار می‌کنیم. از دیدگاه این صاحب‌نظران، ما انسان‌ها از همان کودکی یاد می‌گیریم که جامعه انتظارات و استانداردهای متفاوتی از دخترچپه‌ها و پسرچپه‌ها دارد. به عقیده این صاحب‌نظران، از طریق مکانیسم‌های فرایند جامعه‌پذیری، هویت و نگرش افراد به جنسیت نیز شکل می‌گیرد و درونی می‌شود.

علاوه بر این، بخش دیگر نظریه‌ها معطوف به تئوری‌هایی است که در چارچوب تحولات و تغییرات دوران معاصر ارائه شده‌اند. این دسته از نظریه‌ها مشتمل بر طیف متنوع و متعددی از نظریات اندیشمندان برجسته است که به تبیین این تحولات و تغییرات جوامع

1. Talcott Parsons
2. Instrumental role
3. Expressiveness role
4. Socialization Theory
5. Symbolical Interaction
6. Taylor, F.
7. Lindsey, L. L.

معاصر از جمله در حوزه‌های مرتبط با نگرش به نقش‌های جنسیتی به‌طور عام و نگرش به اشتغال زنان به‌طور خاص پرداخته‌اند. اگرچه این دسته از نظریه‌ها دربردارنده طیف بسیار وسیع و گوناگون است، وجه مشترک آن‌ها این است که مبتنی بر یک رویکرد فرهنگی-اجتماعی هستند. بدین معنا که در چارچوب خصوصیات ماندنوگرایی (گود^۱، ۱۹۶۳)، تغییرات اجتماعی (گیدنز^۲، ۱۳۷۳)، فردگرایی و تغییرات بنیادین در نظام ارزش‌های جامعه (اینگلههارت^۳، ۱۹۷۷؛ ون دکا^۴، ۱۹۸۷؛ رولاند^۵، ۲۰۱۲) به تبیین این تحولات و تغییرات جوامع معاصر از جمله در حوزه‌های مرتبط با نقش‌های جنسیتی و اشتغال زنان می‌پردازند؛ به‌عنوان مثال، گیدنز (۱۳۷۳) به‌طور مشخص به نقش تعیین‌کننده عاملی مهم یعنی استقلال اقتصادی و اشتغال زنان در تبیین تحولات جوامع معاصر اشاره می‌کند. لشتاگه و سورکین^۶ (۲۰۰۸) نیز به اهمیت نگرش به نقش‌های جنسیتی و اشتغال زنان اشاره می‌کنند؛ زیرا به عقیده آنان می‌توان تحولات جوامع معاصر را در چارچوب سه انقلاب مهم تبیین کرد: اول، انقلاب در فناوری کنترل مولود که به تأخیرانداختن فرزندآوری را امکان‌پذیر کرد. دوم، انقلاب جنسی که بر لذایت و کامجویی‌های شخصی استوار است. سوم، انقلاب در نقش‌های جنسیتی و فمینیسم که بر استقلال زنان و فرصت‌های برابر زنان و مردان برای تحصیلات و اشتغال تأکید دارد (فروتن و شجاعی قلعه‌نی، ۱۳۹۸: ۳۹-۴۰).

۴. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه هدف مطالعه حاضر مطالعه جامعه‌شناختی دگرگونی نقش اقتصادی زنان و اثرات آن بر تأمین معیشت خانوار روستایی است، از پژوهش کیفی برای دریافت واقعیت زندگی زنان استفاده شده است. فعالیت‌های اقتصادی زنان دهستان جوشق را می‌توان براساس متغیر سن، تفکیک کرد. زنان نسل اول، فعالیت‌های اقتصادی بسیاری را در گذشته اعم از کار در زمین‌های کشاورزی، تولید محصولات دامی، بافت قالی و... انجام می‌دادند. در حال حاضر، فعالیت این گروه از زنان به دلیل ناتوانی جسمانی، محدود به مشارکت در گل‌چینی و بافت قالی است. نسل دوم از زنان، تجربه کار کشاورزی و دام‌پروری را دارند. آن‌ها با داشتن مهارت در زمینه‌های مختلف، علاوه بر فعالیت‌های محدود کشاورزی، دامداری و باغداری، به بافت قالی و تابلوفرش مشغول هستند. نسل سوم، دختران تحصیل‌کرده روستا، علاقه‌ای به مشارکت در امور کشاورزی، دام‌پروری، بافت قالی و... ندارند. از دیدگاه آن‌ها، کار در خارج از روستا و یا محیط خانه (مانند خانه سالمندان، پست‌بانک و...)، به خودکفایی اقتصاد خانوار می‌انجامد.

جمع‌آوری اطلاعات میدانی با استفاده از مطالعه اکتشافی، مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته، بحث‌های گروهی متمرکز، مشاهده مشارکتی و مشاهده مستقیم در طی هشت ماه زندگی مستمر با زنان روستایی در دهستان جوشق میسر شد. اطلاعات پژوهش با بهره‌گیری از روش نظریه بنیانی تجزیه و تحلیل شده است. کل جمعیت زنان روستاهای دهستان جوشق که تعداد آن‌ها طبق آمار مرکز بهداشت ریجان و خاوه ۶۷۲ نفر است، جامعه مورد بررسی پژوهش هستند. داده‌های پژوهش حاصل ۲۲ مصاحبه فردی و گروهی با ۳۶ زن روستایی است. در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند، دردسترس و گلوله‌برفی استفاده شده است. پایایی این پژوهش کیفی براساس رویه تحقیق^۷ کسب شد. در پژوهش‌های این‌چنینی، کیفیت ضبط و مستندسازی داده‌ها محور اصلی ارزیابی داده‌ها و نتیجه‌ای است که از آن‌ها اخذ می‌شود. براساس یادداشت‌های میدانی، استانداردکردن و یکپارچه‌کردن آن‌ها پایایی داده‌ها را

1. William Good
2. Anthony Giddens
3. Ronald F. Inglehart
4. Van de Kaa, D. J.
5. Rowland, D. T.
6. Lesthaeghe, R., & Surkyn, J.
7. Synchronic Reliability

افزایش می‌دهد. استفاده از علائم قراردادی برای یادداشت‌برداری مانند گیومه، پراکنش، خط ممتد و... امکان مقایسه دیدگاه‌هایی را که خود، داده‌هایی را به همراه می‌آورند افزایش می‌دهد. همچنین یک روش برای تعیین اعتبار مصاحبه‌ها این بود که نگارنده درجه‌ای از صحت و اطمینان را که در طول مصاحبه به دنبال آن بود، کسب کرد. به مشارکت‌کنندگان اجازه داده می‌شد تا فارغ از مداخله آن‌ها، روایت آزادانه خود را از موضوع مورد بررسی بیان کنند. همچنین نگارنده در دومین دیدار پس از مصاحبه و مکتوب کردن متن آن، اظهارات مشارکت‌کنندگان را در قالب روابط پیچیده (مبتنی بر اهداف پژوهش) ترسیم و در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار می‌داد. موافقت آن‌ها با اظهارات خود، ارزیابی اعتبار به روش ارتباطی بود.

در پژوهش حاضر، بعد از برگزاری هر مصاحبه یا بحث گروهی، متن مصاحبه مکتوب و مفاهیم آن استخراج شد. در جدول ۱ برخی از مفاهیم و مقوله‌های آن‌ها درج شده است. هر مفهوم بیانگر موضوعی خاص است. برخی از مفاهیم با استفاده از کدهای زنده (عبارت‌های زنان روستایی در حین مصاحبه) نام‌گذاری شدند و برخی دیگر از مفاهیم نیز توسط نگارنده نام‌گذاری شده است. سپس مفاهیمی که دارای مشابهت موضوعی بودند در کنار یکدیگر قرار داده شدند و مجموعه‌ای از مفاهیم ذیل یک نام (مقوله) قرار گرفتند. درنهایت، مقوله‌هایی که با هم مرتبط بودند، در کنار هم قرار گرفتند و مجموعه وسیع‌تری تشکیل شد. هر مجموعه از مقوله‌ها به پدیده‌ای خاص مربوط بود و درنهایت، تعداد پدیده‌ها^۱ (مقوله‌های اصلی) به چهار مورد رسید و مقوله‌های دیگر به‌عنوان مقوله‌های فرعی در نظر گرفته شد که هر کدام بیانگر شرایط علی^۲، شرایط مداخله‌گر^۳، زمینه^۴، راهبردهای عمل/تعامل^۵ و پیامدهای^۶ به‌کارگیری راهبردها بود.

جدول ۴. برخی از مفاهیم و مقوله‌های پژوهش

مفاهیم	مقوله‌ها
شرکت در قرعه‌کشی‌های خانگی فروش محدود محصولات لبنی فروش قالی	تلاش برای حفظ استقلال مالی
خشک‌شدن قنات‌ها کم‌شدن بازندگی خشکسالی کمبود آب تک‌محصولی‌شدن خشک‌شدن باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی خشک‌شدن درختان گردو و بادام مهاجرت به شهر (مهاجرت شغلی و تحصیلی خانواده‌ها) رهاشدن برخی از زمین‌های کشاورزی به‌صرفه‌نبودن کشاورزی عدم نگهداری دام خرید محصولات لبنی مصرف‌گراشدن خانواده‌ها	کاهش فعالیت‌های کشاورزی و دامداری

1. Phenomenon
2. Causal Conditions
3. Intervening conditions
4. Context
5. Action/Interaction Strategies
6. Consequences

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر شامل دو بخش است. بخش اول، مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی زنان را با شرح مصاحبه‌ها به تصویر کشیده است. این بخش روایت‌گونه تنظیم شده است. نقل‌هایی از زنان، تأییدکننده و تکمیل‌کننده واقعیت‌های زندگی زنان روستایی است.

۱-۵. مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی زنان

نقش زنان در امور اقتصادی در گذشته، مشارکت گسترده در فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری بود. بازاریابی و فروش برخی از محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دامی برعهده زنان خانواده بود. به‌علاوه آن‌ها در فرآوری مواد غذایی برای مصرف خانوار و فروش آن، نقش فعالی داشتند. در همه خانه‌ها قالی بود. در سال‌های اخیر فعالیت‌های کشاورزی تحت تأثیر کم‌آبی کاهش یافته و تک‌محصولی غلبه یافته است. فعالیت دختران جوان محدود به مشارکت فصلی در دوره گل‌چینی است. بسیاری از زنان نسل اول و دوم، به دلیل ضعف بدنی قادر به انجام امور کشاورزی نیستند و مشارکتی در گل‌چینی ندارند:

«کشاورزی در حد کمی وجود داره. فعالیت‌های زنان در امور کشاورزی بستگی به گروه سنی داره. جوون‌ها که مشارکتی ندارن. اگر هم مشارکتی باشه، همون چیدن گل هست. کشاورزی دیگه به اون صورت قبل نیست که خانم‌ها بخوان کمک کنن» (۲۵ ساله، مطلقه). یکی دیگر از دلایل کاهش مشارکت زنان در امور کشاورزی، تغییر سبک کشاورزی است که نیاز کمی به نیروی کار دارد. بخش اعظم امور به وسیله تجهیزات انجام می‌شود. ورود فناوری در زمینه ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی، علاوه بر سهولت کار، از نیاز به نیروی کار زنان نیز کاسته است.

تعداد کمی از خانواده‌ها دارای دام (گاو و گوسفند) آن هم به تعداد اندک هستند. زنان از شیر و سایر فرآورده‌های آن برای مصرف خانوار استفاده می‌کنند و در صورت وجود مازاد، آن را به فروش می‌رسانند:

«ما دو تا گاو داریم، شیرش رو می‌آرن خونه. شیر رو ماست می‌کنم و کره‌ش رو می‌گیرم. اگه زیاد باشه می‌فروشم» (۳۵ ساله، متأهل).

در دوره کنونی بسیاری مایحتاج خود را خریداری می‌کنند. دیگر خانوار روستایی یک واحد خودکفا نیست و مجبور است مواد غذایی مورد نیاز خود را خریداری کند:

«پونزده سال گاو داشتیم. کارهاش با خودم بود. خودم می‌دوشیدم، با شیرش همه چی درست می‌کردم. هم خودمون استفاده می‌کردیم هم می‌فروختم. پولی که ازش درمی‌اومد خرج خونه می‌شد. اختیارش با خودم بود. اگه چیزی برای بچه‌ها می‌خواستیم می‌خریدیم. لباس برای بچه‌ها یا وسیله خونه می‌خریدم» (۶۰ ساله، متأهل).

زنان در گذشته با قالی‌بافی، بخشی از نیازهای اقتصادی خانواده خود را تأمین می‌کردند. درآمد فروش قالی برای رفع نیازهای روزمره خانواده صرف می‌شد. بخشی از آن نیز توسط زنان پس‌انداز می‌شد تا صرف خرید جهیزیه دختران یا عروسی پسران شود، ولی اکنون تعداد محدودی از زنان میانسال قالی‌بافی می‌کنند. درآمد آن نیز در امور منزل هزینه می‌شود. زنان نسل اول و دوم، دیگر استقلال مالی گذشته را ندارند و وابستگی مالی آن‌ها به همسران روزبه‌روز بیشتر شده است:

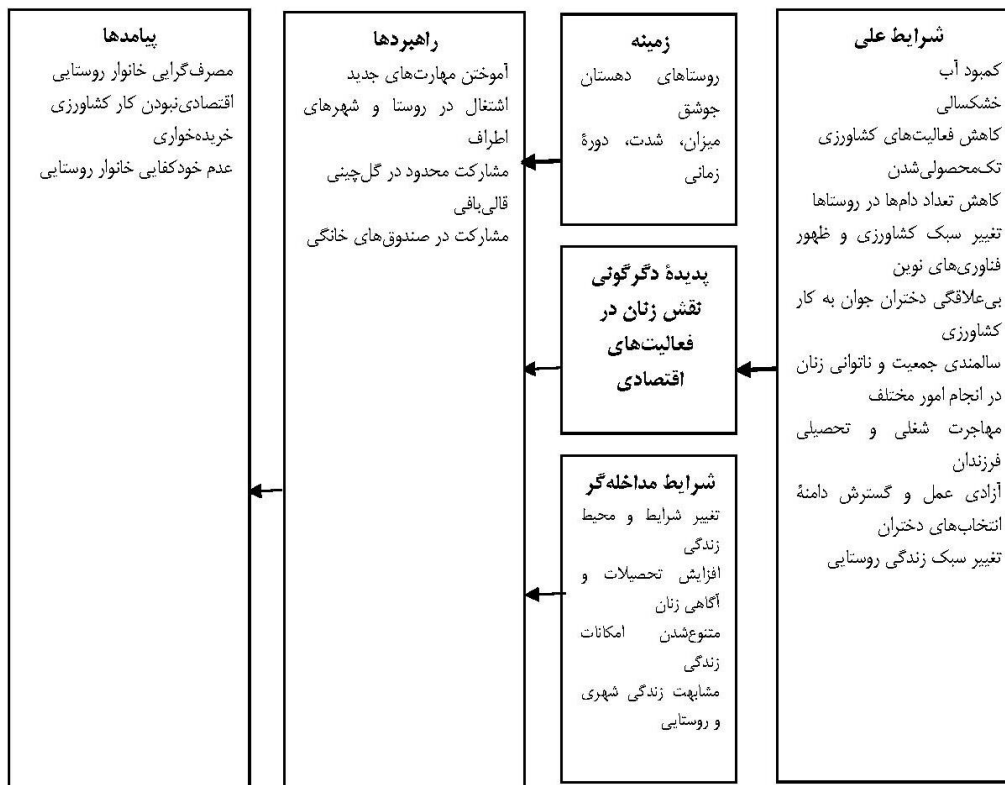
«بیشتر خانم‌ها استقلال مالی ندارن، مگه تعداد کمی که شاغل‌اند یا اینکه وضع مالی شوهرهاشون خوبه و به قولی می‌گن دستشون به دهنشون می‌رسه. مردها بیشتر کشاورزن و خانم‌ها قالی می‌بافن تا خرج خونه دربیاد» (۱۹ ساله، متأهل).

«زن‌های قدیم استقلال مالی داشتن. خانم‌های روستا نقششون کمتر از مردهاشون نبوده تو اقتصاد خانواده. دار قالی دارن. در سال چند تا فرش می‌بافن. خیلی کمک می‌کنن. اشتغال که فقط بیرون از خونه نیست. الان نقششون ممکنه کمتر شده باشه، ولی قبلاً بیشتر بود. درآمد این فرش توی زندگیشونه» (۴۰ ساله، متأهل).

در حال حاضر زنان تلاش می‌کنند تا با همکاری‌های نوین اقتصادی در قالب صندوق‌های خانگی، سرمایه‌ای هرچند اندک را برای خود فراهم کنند. زنان روستای خاوه ماهانه مبلغی را برای شرکت در این صندوق می‌پردازند. آن‌ها با مبلغی که به‌عنوان یارانه به آن‌ها تعلق می‌گیرد در صندوق شرکت و این مبلغ را پس‌انداز می‌کنند. هر ماه کل پول به یک نفر اختصاص می‌یابد. این مبلغ برای آن‌ها جنبه پس‌انداز دارد که در مواردی که خود صلاح می‌دانند، صرف می‌کنند. برخی آن را برای خرید جهیزیه یا عروسی فرزندان در نظر می‌گیرند. برخی آن را سرمایه قالی می‌کنند. برخی نیز آن را برای سفرهای زیارتی مانند کربلا یا مشهد هزینه می‌کنند. این وام، جزوی از دارایی زنان محسوب می‌شود.

۲-۵. پدیده دگرگونی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی

بخش دوم یافته‌ها حاصل تجزیه و تحلیل اطلاعات مصاحبه‌ها از طریق نظریه بنیانی و در قالب یک پدیده مرکزی با پنج زیرمجموعه (شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، زمینه، راهبردهای عمل / تعامل و پیامدهای به‌کارگیری راهبردها) است.



نمودار ۱. پدیده دگرگونی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی

۱-۲-۵. شرایط علی بروز پدیده دگرگونی نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی

زنان در طول زندگی خود نقش‌های اکتسابی و انتسابی فراوانی را تجربه می‌کنند. برخی از این نقش‌ها به صورت غریزی و انتسابی با زندگی زنان گره خورده است و برخی نیز با گذشت زمان، در اثر تجربه و آموزش کسب می‌شود. در گذشته، زنان فعالیتهای متنوعی انجام می‌دادند، ولی نقش‌های آن‌ها دستخوش تغییر شده است. بخشی از آن‌ها بیشتر شده و در برخی دیگر (مانند کشاورزی) نیازی به ایفای نقش زن نیست. عوامل گوناگونی در این دگرگونی نقشی مؤثرند.

کمیاب آب، خشکسالی و به تبع آن کاهش فعالیتهای کشاورزی بخشی از نقش‌های اقتصادی زنان را دچار دگرگونی و بخشی را از بین برده است. در گذشته زنان نقش مهمی در کلیه مراحل فعالیتهای کشاورزی اعم از کاشت، برداشت، فرآوری و حتی فروش محصولات داشتند. آن‌ها از مرحله کاشت تا برداشت محصول دوشادوش مردان در فعالیتهای کشاورزی به ایفای نقش می‌پرداختند. فرآوری محصولات کشاورزی و فرآورده‌های باغی نیز بخش دیگری از فعالیتهای زنان در عرصه کشاورزی محسوب می‌شد. کاهش فعالیتهای کشاورزی و تک‌محصولی شدن، نقش زنان را در این حیطه محدود به گل‌چینی، آن هم یک ماه از سال کرده است. نگهداری از دام‌ها و چرای آن‌ها در صحرا نیز یکی دیگر از وظایف زنان بود، ولی امروزه زنان دیگر زنان دام‌ها را برای چرا نمی‌برند. امروزه این مسئولیت مردانه است و برخی از زنان از مرغ و خروس و تعداد محدودی گاو و گوسفند نگهداری می‌کنند:

«در فصل آخر بهار، گل‌چینی رو داریم که تعداد خانم‌هایی که برای چیدن گل میان بیشترین. اون زمان‌ها، گاوها و گوسفندها رو زن‌ها می‌بردن صحرا چرا، ولی الان این طوری نیست. اگه مرغ باشه توی خونه بهشون می‌رسن» (۳۰ ساله، مجرد).

«الان کار کشاورزی خیلی کم شده. قبلاً که محصولات کشاورزی بود خانم‌ها کمک شوهرهاشون می‌رفتند. گندم می‌کندند و خرمن می‌کردند. لوبیا می‌کندند، اما الان خانم‌ها کمکی که می‌کنن توی گل‌چینی. موقع گل‌چینی خانم‌ها دو سه ساعت یا بیشتر و کمتر می‌رن کمک. اینم مخصوص خانم‌هاییه که جوون هستن و تواناییش رو دارن. ولی اون‌هایی که سنی ازشون گذشته نه» (۱۹ ساله، متأهل).

تغییر سبک کشاورزی و ظهور فناوری‌های نوین، از نیروی کار زنان کاسته است. بهره‌گیری از ماشین‌آلات و تجهیزات مدرن، نیاز به نیروی کار زنان را کاهش داده است. استفاده از این تجهیزات اگرچه از نیروی کار زنان کاسته، بلکه با عدم نیاز به نیروی کار فراوان، زمینه‌های مهاجرت فرزندان را نیز فراهم کرده است:

«یه سری کارهایی بوده که انجام می‌دادن، ولی الان دیگه انجام نمی‌دن. یه سری کارها رو هم اون موقع انجام نمی‌دادن، ولی الان انجام می‌دن. کارهایی که الان انجام می‌دن به خاطر تحویله که توی کل دنیا پیش اومده؛ مثلاً کشاورزی مکانیزه شده، احتیاجی به زن‌ها نیست... الان به خاطر اینکه روش‌ها فرق کرده؛ مثلاً روش‌های کشاورزی آن‌چنان نیازی به اینکه خانم‌ها باشن نیست. نوع محصولات هم عوض شده. این قدر امکانات اومده که احتیاج نداره زن بره کمک مرد» (۳۰ ساله، مجرد).

نسل سوم شامل دختران جوانی هستند که تمایلی به کار کشاورزی ندارند. آن‌ها این کار را زنانه نمی‌دانند و ترجیح می‌دهند در خانه‌داری کمک کار مادر باشند. برخی از زنان نیز مشارکت خود در امور کشاورزی را کمک به خانواده می‌دانند تا همسر و پدر مجبور نباشد هزینه‌ای را به کارگر دهد و از نیروی کار اعضای خانواده استفاده کند:

«برای گل‌چینی می‌ریم. به اجبار می‌ریم؛ چون پدرهامون تنها هستن. نمی‌شه که تنهاشون گذاشت. دلمون برای پدر و مادرمون می‌سوزه که تنهاشون بناریم. برای ما اجبار، ولی اون‌ها اجبار نمی‌کنن» (۲۸ ساله، مطلقه).

سالمندی جمعیت و ناتوانی زنان در انجام امور مختلف، آن‌ها را از انجام بسیاری از امور پیشین بازداشته است. برخی از زنان به دلیل بیماری و ضعف بدنی، قادر به بافت قالی نیستند. آن‌ها نمی‌توانند در گل‌چینی مشارکت کنند و ناگزیرند بسیاری از مایحتاج زندگی‌شان را که خود قبلاً تولید می‌کردند، خریداری کنند. با این حال هنوز هم زنانی وجود دارند که با وجود بیماری کمک‌کار شوهر هستند. بیماری و ناتوانی و سالمندی مردان نیز آن‌ها را از پرداختن به کار کشاورزی و دامداری بازداشته است:

«ان قدر شب و روز با شوهرم زحمت کشیدیم، ولی الان شوهرم نمی‌تونه کار کنه. خودم هم این قدر کم‌قوه (کم‌توان) شدم نمی‌تونم کار کنم، قالی بیافم» (۷۰ ساله، متأهل).

با این حال، مهاجرت شغلی و تحصیلی فرزندان سبب شده خانواده (به‌خصوص سالمندان) وادار به انجام امور کشاورزی و... نباشند. آن‌ها با وجود بیماری و ضعف ناگزیرند به زمین‌های خود رسیدگی کنند:

«توی روستا همه کاری می‌کردیم، نون می‌پختیم، ماست می‌زدیم، کشاورزی می‌کردیم. حالا هم که دیگه شکسته شدیم، کار نمی‌تونیم بکنیم» (۵۰ ساله، متأهل).

«اگه توی خونه بیکار باشم، قالی می‌بافم، ولی قوه (توان) قدیم رو ندارم، قدیم جوون‌تر بودم» (۴۵ ساله، متأهل).

زنان و دختران روستایی نسبت به گذشته، دارای آزادی عمل و اختیارند. دختران امروزی مشارکت بسیار محدود و اندکی در زمینه کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی دارند. در بسیاری از موارد هم خود دختر و هم خانواده تمایلی به انجام این امور توسط دختران ندارند. در زمینه بافت فرش و تابلوفرش، دختران جوان روستایی یا خود تمایلی به این کار ندارند یا اینکه مادران از آموختن این حرفه به دختران سر باز می‌زنند. به باور آن‌ها بافت فرش جز رنج و سختی دستاورد خاصی ندارد. آن‌ها ترجیح می‌دهند دختران درس بخوانند و مهارت‌های دیگری را بیاموزند. به باور برخی از دختران، بافت قالی درآمد چندانی ندارد و پرداختن به مشاغل دیگر (در صورت یادگیری مهارت) درآمد بیشتری دارد. در برخی از موارد دختران دیگر در امور خانه‌داری نیز مشارکت نمی‌کنند و مادر کلیه امور خانه را انجام می‌دهد و مدیریت می‌کند:

«کارهای کشاورزی و دامداری رو بلد نیستم، کشاورزی هم که کم شده. اون مقدار محدود رو هم داداش‌هام می‌رن کمک بابام. ما نمی‌ریم. قالی بافی رو هم شیش سالم بود از مامانم یاد گرفتم، ولی قالی نمی‌بافم... من کارهای مامانم رو دوست نداشتم ادامه بدم. الان بعضی وقت‌ها، خیلی کم پیش می‌آد شاید هفته‌ای ۲۰ دقیقه یا نیم ساعت برم کمکش روی قالی. فقط همین. بدم می‌آد. دوست ندارم. مسئولیت خونه به عهده من نیست (آشپزی، شستشو، جارو زدن، گردگیری و...). وقتی می‌بینم مامانم انجام نداده خودم پا می‌شم انجام می‌دم» (۱۹ ساله، مجرد).

«دوست ندارم دخترهام قالی بافی یاد بگیرن. دوست دارم درس بخونن. چون کار پر ستمیه (پرزحمته). خودم از قدیم از سیکل نشستم سر قالی عادت کردم. بچه‌ها حالا باید درس بخونن. کلاس آموزشی برن. دوست دارم این چیزها رو یاد بگیرن تا قالی بافی. دخترم بلده. فقط گره‌زدن رو بلده. کار نقشه رو یادش ندارم. از اون اول نمی‌خواستم به جدیت یاد بگیره. با خودم می‌گم دخترهای الان که قالی نمی‌بافن. یاد بگیرن که چی بشه؟» (۳۵ ساله، متأهل).

بخشی از دگرگونی نقش اقتصادی نیز مربوط به تغییر سبک زندگی روستایی است. امروزه زندگی شهری و روستایی در بسیاری از جهات مشابه یکدیگر است. سختی‌های زندگی در روستا از بین رفته است. امروزه دیگر اموری مانند پختن نان، نبود آب، شستشوی ظروف لب چشمه، آب آوردن از چشمه برای خوراک خانوار، تهیه محصولات لبنی مورد نیاز خانوار، فراوری محصولات و... در روستا وجود ندارد:

«زمان قدیم اکثر کارها به دوش خانم‌ها بوده. نون نبوده باید نون می‌پختند، باید بچه‌ها رو نگه می‌داشتن، باید روی قالی که توی خونه بافته می‌شده مدیریت می‌کردن که چطور بافته بشه. خودشون قالی می‌بافتن، توی دشت می‌رفتن و علف می‌چیدن و برای گاو و گوسفندها می‌آوردن. توی خونه آب نبوده، ظرف‌ها و لباس‌ها رو می‌بردن لب‌جوب می‌شستن. این کارها سخت بوده. الان هم بعضی از این کارها هست، ولی کنارش راحتی‌هایی هم اومده. مثلاً خانمه دیگه ظرف‌هاشو خونه خودش می‌شوره، ماشین خشک‌کن داره. دیگه لب‌جوب نمی‌ره. الان خیلی همه چی راحت شده و همه چی دم دست همه هست» (۱۹ ساله، متأهل).

۲-۲-۵. راهبردهای پدیده دگرگونی نقش اقتصادی زنان

زنان روستایی در مقابل دگرگونی نقش‌های اقتصادی خود از راهبردهای مختلفی استفاده می‌کنند. زنان نسل سوم (دختران جوان) که علاقه‌ای به بافت قالی ندارند، تلاش می‌کنند مهارت‌های جدیدی را یاد بگیرند و در اوقات فراغت خود از آن بهره‌گیرند، مانند بافتنی با میل و قلاب، خیاطی و... که در صورت لزوم، با انجام آن‌ها سهمی در تأمین اقتصاد خانواده داشته باشند. زنان و دختران شاغل در روستا (خانه بهداشت، خانه سالمندان) و شهر (دلیجان و کاشان) سعی در ایفای نقش اقتصادی خود دارند. ایفای نقش آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی، محدود به گل‌چینی است. با این حال تلاش می‌کنند با مشارکت خود به خانواده یاری برسانند و خانواده را از پرداخت هزینه به کارگر بی‌نیاز کنند.

بسیاری از میانسالان روستایی مهارتی جز قالی‌بافی یاد نگرفته‌اند. آن‌ها برای پرکردن اوقات فراغت خود و همچنین کمک به اقتصاد خانواده به بافت قالی مشغول‌اند. برخی از آن‌ها برای حفظ خودکفایی اقتصادی خود و داشتن پس‌انداز، مبلغی از یارانه خود را در صندوق‌های خانگی پس‌انداز می‌کنند تا مبلغ مورد نظر علاوه بر پس‌انداز، صرف خرید مصالح قالی و... شود. نسل اول در ایفای نقش‌های اقتصادی خود به‌علت بیماری، کهولت سن، ضعف بدنی و... ناتوان‌اند.

۲-۳-۵. شرایط مداخله‌گر

هرچه شرایط و محیط زندگی تغییر کند، نقش‌های اقتصادی زنان نیز بیشتر دچار دگرگونی می‌شود. همچنین افزایش تحصیلات و آگاهی زنان، متنوع‌شدن امکانات زندگی و مشابه‌شدن زندگی در شهر و روستا از عواملی هستند که بر شدت این دگرگونی می‌افزایند.

۲-۴-۵. پیامدهای پدیده دگرگونی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی

خانواده روستایی در دوره کنونی یک خانواده مصرف‌گرا است. سطح نیازهای خانواده تغییر کرده است. در گذشته همه‌ی مایحتاج مورد نیاز خود را می‌کاشت و پس از مصرف خانواده، مابقی آن را نیز به فروش می‌رساند. اما امروزه در روستاهای مورد بررسی، امور کشاورزی رواج ندارد. با این حال برخی از زنان به‌صورت محدود با تعداد چند دام به تولید فرآورده‌های لبنی می‌پردازند. برخی از آن‌ها نیز ترجیح می‌دهند به‌جای تولید محصولات لبنی شیر را به‌صورت خام به ماست‌بندی روستا بفروشند. مسائلی مانند مهاجرت، کم‌شدن آب کشاورزی و... دست به دست یکدیگر داده تا کشاورزی به‌عنوان یک فعالیت بدون صرفه اقتصادی قلمداد شود و خانوار روستایی تصمیم بگیرد به‌جای تولید محصولات کشاورزی، آن‌ها را خریداری کند. به همین سبب است که خریده‌خواری به‌عنوان یک صفت بارز در جامعه روستایی بروز کرده است.

زمانی که خانوار روستایی به تولید هر آنچه می‌توانست می‌پرداخت، پس از مصرف خود، بقیه را به فروش می‌رساند. زنان روستایی با تهیه فرآورده‌هایی غذایی و تولید محصولات لبنی برای خود درآمدی کسب می‌کردند. اما امروزه دگرگونی نقش اقتصادی زنان، از

خودکفایی آنان نیز کاسته شده است. باین‌حال تا آنجا که شرایط اجازه دهد، زن تلاش می‌کند به روش‌های مختلف کمک‌خرج خانواده باشد.

۵-۲-۵. زمینه

پدیده دگرگونی نقش اقتصادی زنان دارای میزان، شدت و دوره زمانی است. در گذشته دگرگونی نقشی در این زمینه کمتر بود، ولی در دوره اخیر، با تغییر سبک و شرایط زندگی، افزایش سطح آگاهی زنان و مشابه شدن زندگی در شهر و روستا، این پدیده عمومیت یافته است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در زمینه نقش اقتصادی زنان، اولین چیزی که به ذهن تداعی می‌شود، اشتغال آنان است. اگرچه طبق اطلاعات مرکز آمار ایران، تعداد زنان شاغل از سال ۱۳۳۵ تا امروز افزایش پیدا کرده است، اولین کسانی که از کار اخراج می‌شوند، زن‌ها هستند و با سهمی هم که دانشجویان دختر در رشته‌های فنی‌و حرفه‌ای به خود اختصاص داده‌اند، مهارت‌های لازم را برای اشتغال در صنعت کسب نمی‌کنند. تنوع شغلی برای زنان محدود است. زنان و مردان در بدو ورود به یک سازمان از حقوق مساوی برخوردارند، ولی مردان قادرند نردبان‌های ترقی را با سرعت بیشتر طی کنند. همچنین میزان دریافتی مردان با احتساب حق مسکن، عائله‌مندی و... از دریافتی زنان بیشتر است. در روستاها نیز اگرچه زنان در پیچیده‌ترین کارهای فنی و حتی سخت‌ترین کارهای کشاورزی و دامداری قادرند همپای مردان کار کنند، اما نمی‌توانند در مناسبات بازار به ایفای نقش بپردازند. آن‌ها هیچ‌گاه مانند مردان قادر نبوده‌اند به واسطه‌گری در دادوستد محصولات کشاورزی و دامی بپردازند. نقش زنان روستایی در اقتصاد خانواده بیشتر معطوف به فرآوری و فروش محدود محصولات در روستاهای مورد بررسی است. دادوستد با شهر و سایر روستاها، کاری مردانه تلقی می‌شود. از سوی دیگر، وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، تولید را در کشورمان تضعیف کرده است. نبود فرهنگ تولید صنعتی، فرصت‌های شغلی را از زنان گرفته است. در کشور ما سرمایه‌داران حاضر نیستند سرمایه خود را در مناطق روستایی هزینه کنند. نتیجه چنین امری، مهاجرت نیروی تحصیل کرده از روستاها، خالی شدن روستاها، سالمندی جمعیت روستا، دیررسی ازدواج و... است.

پژوهش حاضر با هدف مطالعه جامعه‌شناختی دگرگونی‌های نقش اقتصادی زنان و اثرات آن بر تأمین معیشت خانوار روستایی در دهستان جوشق از توابع شهرستان دلپجان انجام شد. یافته‌های پژوهش حاصل تعامل و گفتگو و زندگی با زنان روستاهای این دهستان در مدت هشت ماه است. در روستاهای مورد بررسی، فعالیت‌های اقتصادی زنان تحت تأثیر کاهش فعالیت‌های کشاورزی به تبع کمبود آب و خشکسالی، تک‌محصولی شدن، کاهش تعداد دام‌ها، تغییر سبک کشاورزی و ظهور فناوری‌های نوین، بی‌علاقگی دختران جوان به کار کشاورزی، سالمندی جمعیت و ناتوانی زنان نسل اول در انجام امور مختلف، مهاجرت شغلی و تحصیلی فرزندان، آزادی عمل و حق انتخاب، تغییر سبک زندگی دگرگون شده است. تغییر شرایط و محیط زندگی، افزایش تحصیلات و آگاهی زنان، متنوع شدن امکانات زندگی، مشابهت زندگی شهری و روستایی از عوامل مداخله‌گر پدیده دگرگونی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی بوده است. با اینکه پیامدهای این دگرگونی نقش اقتصادی، مصرف‌گرایی خانواده (خریده‌خواری)، رواج تفکر اقتصادی، نبودن کار کشاورزی و عدم خودکفایی اقتصادی خانوارها است، ولی باز هم تلاش‌هایی توسط زنان برای تأمین معیشت خانوار وجود دارد. آن‌ها با یادگیری مهارت‌های جدید، شغل بیرون از خانه و حتی روستا، مشارکت محدود در گل‌چینی و قالی‌بافی به اقتصاد خانواده کمک می‌کنند.

مطابق یافته‌های رانکونا (۲۰۱۶)، گولاجد و همکاران (۲۰۱۵)، ماهامبی (۲۰۱۴)، آشاک (۲۰۱۳) و ایبنف (۲۰۱۲)، زنان دهستان جوشق، اطلاعات کاملی در زمینه چگونگی کار در مزارع، دامپروری و تولید صنایع دستی را مطابق با فرهنگ بومی خود دارند. همچنین آن‌ها با تهیه و فرآوری محصولات دامی و باغی، به اقتصاد خانواده خود کمک می‌کنند. همچنین همسو با نتایج غفاری و ترکی هرچگانی (۱۳۹۰) و مشیری، مهدوی حاجیلو و علیایی (۱۳۸۸)، مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف روستایی به کسب یک موقعیت شغلی، افزایش درآمد و خودتکایی آن‌ها کمک می‌کند.

مطابق نتایج، زنان جوان و میانسال مشارکت محدودی در گل‌چینی دارند که این یافته منطبق بر نتایج برقی و همکاران (۱۳۹۲) است که سن را عامل مهمی در مشارکت زنان در امور کشاورزی می‌داند. تحصیلات مانعی برای مشارکت زنان در امور کشاورزی است. دخترانی که به تحصیل می‌پردازند، در گل‌چینی محدود نیز نقش ندارند که با نتایج مشیری، مهدوی حاجیلو و علیایی (۱۳۸۸) منطبق است. هنوز هم باورهای سنتی روستاییان و تفکرات قالبی، زنان را از ایفای نقش‌های اقتصادی باز می‌دارد. این امر ناشی از جامعه‌پذیری جنسیتی است که نقش‌های زن و مرد را از هم به‌طور کامل جدا می‌کند. همسو با جامعه‌شناسانی مانند شلسکی و پارسونز، نسل اول زنان روستایی عقیده دارند تأمین معیشت خانوار امری مردانه است و زنان باید در خانه بمانند و به خانه‌داری و تربیت فرزندان بپردازند. یافته‌های پژوهش در این زمینه مطابق با یافته‌های محققانی مانند دادورخانی (۱۳۸۵)، کاراسی (۲۰۱۸) و کمال و شارما (۲۰۲۳) است که فرهنگ سنتی را از موانع ورود زنان به بازار کار می‌داند. با این حال، استفاده از راهبردهای مختلف برای مؤثر بودن در تأمین معیشت توسط نسل سوم از زنان این دهستان، همسو با محققانی مانند گیدنز، اینگلهارت، ویلیام گود است. آن‌ها اظهار داشتند که ویژگی‌های جوامع مدرن از قبیل فردگرایی و کاهش مشارکت‌های جمعی بین خانواده‌ها، تغییرات بنیادین در نظام ارزشی جامعه و... ضرورت حضور زنان را در جامعه اجتناب‌ناپذیر ساخته است. هدف این نسل از زنان، استقلال و خودکفایی خود در وهله اول و سپس تأمین معیشت خانوار روستایی است.

با توجه به نتایج، راهکارهای زیر برای بهبود وضعیت حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی ضروری است: اشاعه باور جمعی مبتنی بر پذیرش قابلیت‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی؛ ارتقای فرهنگ جامعه در جهت پذیرش مشارکت اقتصادی زنان روستایی؛ برگزاری دوره‌های آموزشی توانمندسازی ذهنی زنان روستایی به‌ویژه افزایش تاب‌آوری، اعتمادبه‌نفس و خودباوری زنان روستایی؛ حمایت مالی از زنان روستایی از طریق ارائه تسهیلات و خرید تولیدات آن‌ها برای بهره‌مندی بیشتر از فعالیت‌های اقتصادی آنان؛ تلاش برای تقویت روابط و همکاری‌های زنان در قالب تشکیل اتحادیه‌ها و تشکل‌های اقتصادی به‌منظور افزایش بهره‌وری و توانمندی زنان.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشرنی.
- آسایش، حسین (۱۳۹۸). *اقتصاد روستایی*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- اعزاز، شهلا (۱۳۹۰). *دگرگونی در نقش زنان*. تهران: علم.
- اعزاز، شهلا (۱۴۰۱). *جامعه‌شناسی خانواده*، با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

- برقی، حمید، تقدیسی، احمد، تازیکی، رقیه و نادرخانی، زلیخا (۱۳۹۲). بررسی میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (دهستان استرآباد شمالی شهرستان گرگان). *برنامه‌ریزی فضایی*، ۳(۴)، ۱۶۶-۱۷۴.
- جلیلیان، سارا و سعدی، حشمت‌اله (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی-اقتصادی بر توانمندی روان‌شناختی زنان روستایی در شهرستان اسلام‌آباد غرب. *پژوهش‌های روستایی*، ۶(۴)، ۷۴۵-۷۶۶. <https://doi.org/10.22059/jrur.2015.57108>
- جلیلیان، سارا و سعدی، حشمت‌اله (۱۳۹۵). نقش توانمندسازی زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان اسلام‌آباد غرب). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۶(۲۱)، ۱۲۹-۱۴۲. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22516735.1395.6.21.10.8>
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۱). *ضعیفه (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی)*. تهران: قصیده‌سرا.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۵). *زن تاریخ (جایگاه زن در ایران باستان)*. تهران: قصیده‌سرا.
- حمزه‌لو، بهروز (۱۳۸۱). بررسی تطبیقی حدود اختیار و قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در شهرستان خمین. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد (توسعه روستایی)*. اصفهان دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشکده کشاورزی.
- جوان، جعفر، یاسوری، مجید، رهنما، محمدرحیم و احمدیان شالچی، محمدحسین (۱۳۸۷). بررسی وضعیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی (مطالعه موردی: منظومه روستایی مشهدقلی). *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۷(۱۱)، ۱۹-۳۵. <https://doi.org/10.22067/geography.v6i11.4278>
- دادورخانی، فضیله (۱۳۸۳). پیامد مهاجرت انفرادی مردان بر کارکرد زنان در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای بندپی شرقی، مازندران). *مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان*، ۲(۴)، ۱۷۶-۱۴۹. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2004.1246>
- دادورخانی، فضیله (۱۳۸۵). توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان. *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳۸(۵۵)، ۱۷۱-۱۸۸.
- ذوالفقاری، اکبر و قانعی یخدان، نرگس (۱۴۰۲). فراتحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی (پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۱). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۵(۲)، ۴۰۹-۴۲۷. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363424.668809>
- سروش‌مهر، هما؛ ربیعی، حامد؛ کلاتری، خلیل و شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۹). بررسی پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن (مطالعه موردی: شهرستان همدان). *پژوهش‌های روستایی*، ۱(۱)، ۱۴۳-۱۶۵.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۷). *از طاووس تا فرح (جای پای زن در مسیر تاریخ معاصر ایران)*. تهران: علم.
- عثمان، هدایت و دانش‌مهر، حسین (۱۴۰۳). ادغام جامعه روستایی در اقتصاد بازار (جایگاه دوره‌گردهای روستایی در هورامان). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۶(۱)، ۲۰۹-۲۲۸.
- غفاری، سید رامین و ترکی هرچگانی، معصومه (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان و دختران در توسعه مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری (مطالعه موردی: روستاهای بخش فارسان). *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۲(۳)، ۱۰۹-۱۳۰.
- فروتن، یعقوب و شجاعی قلعه‌نی، مینا (۱۳۸۹). رویکرد اجتماعی به اشتغال زنان در ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲۰(۴)، ۳۳-۴۷.
- فیروزآبادی، سید احمد و فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۸۸). بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در خانواده (مطالعه موردی: روستای میانه از توابع شهرستان صومعه‌سرا - استان گیلان). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱(۱)، ۳۵-۶۵.
- سازمان بین‌المللی کار (۲۰۱۸). *گزارش سازمان بین‌المللی کار (ILO)*.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، جهانگیری، جهانگیر و خواجه‌نوری، بیژن (۱۳۸۴). بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی استان فارس). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۳)، ۱۲۴-۱۴۵. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1384.6.3.7.5>
- مامسن، جنت هنشل (۱۳۸۷). *جنسیت و توسعه*. ترجمه زهره فنی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ غفاری، غلامرضا؛ نایی، هوشنگ و عفتی، محمد (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی مشارکت زنان در معیشت جامعه روستایی (مطالعه موردی: استان خراسان شمالی). *فصلنامه روستا و توسعه*، ۲۳(۲)، ۱۵۷-۱۷۹.

<https://doi.org/10.30490/rvt.2020.283774.1053>

مشیری، سید رحیم؛ مهدوی حاجیلویی؛ مسعود و علیایی، محمدصادق (۱۳۸۸). بررسی نقش سواد و نیروی کار زنان در درآمد خانوار روستایی مطالعه موردی: زنان روستایی دیواندره استان کردستان. *جغرافیا و توسعه*، ۷(۱۴)، ۶۹-۸۲. <https://doi.org/10.22111/gdij.2009.1217>

معتضد، خسرو و کسری، نیلوفر (۱۳۷۹). *سیاست و حرمسرا (زن در عصر قاجار)*. تهران: علمی.

مظفر امینی، امیر و احمدی شاپورآبادی، محمدعلی (۱۳۸۸). خوداتکایی اقتصادی زنان روستایی و تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن (مطالعه موردی در دو منطقه جلگه‌ای و کویری مرکز استان اصفهان). *زن در توسعه و سیاست*، ۷(۴)، ۷-۲۹.

میرترابی، مهدیه السادات؛ حجازی، یوسف و حسینی، سید محمود (۱۳۹۱). بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی بر انگیزه مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی. *مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان*، ۱۰(۱)، ۱۴۹-۱۶۷.

<https://doi.org/10.22051/jwsps.2012.1416>

میرلطفی، محمودرضا؛ بندانی، میثم و شهرکی، سعیده (۱۳۹۲). بررسی نقش کار پنهان زنان در سطح رفاه خانوار روستایی (مطالعه موردی: زنان روستایی شهرستان هامون). *برنامه‌ریزی فضایی*، ۳(۳)، ۴۹-۶۷. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22287485.1392.3.3.6.7>

Abbott, P., & Wallace, C. (2001). *Sociology of Women*. Translated by: Manijeh Najm-e-Iraqi, M. Tehran: Nashreny. (In Persian)

Adesiji, G. B., Olarewaju, K. D., Olaleye R. S., & Komolafe, S. E. (2015). Assessment of Indigenous Methods of Processing Shea Butter among Women in Ilorin East Local Government Area of Kwara State, Nigeria. *Journal of Agricultural Sciences*, 60(2), 199-210. <http://dx.doi.org/10.2298/JAS1502199A>

Asayesh, H. (2019). *Rural Economy*. Tehran: Payam Noor University. (In Persian)

Ashok, D. G. (2013). Indigenous Knowledge and Women Entrepreneurs among Rajbanshis: A Case Study. *International Research Journal of Social Sciences*, 2(2), 12-20.

Barghi, B., Tagdisi, A., Taziki, Roghaye., & Naderkhani, Z. (2014). Investigating Rural women's Participation in Agricultural Activities(case of Northern Astarabad villages of Gorgan). *Spatial Planning*, 3(4), 166-174. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22287485.1392.3.4.11.4>(In Persian)

Dadvarkhani, F. (2004). The Relationship Migration of Men men's Decision Making on Agricultural Activities (case study: Eastern Bandpi villages, Mazandaran). *Women's Studies Sociological and Psychological*, 2(4), 149-176. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2004.1246> (In Persian)

Dadvarkhani, F. (2006). Rural Development and the Challenges of Women's Employment. *Geographical Research*, 38(55), 171-188. (In Persian)

Ezazi, S. (1401). *Sociology of the family, with emphasis on the role, structure and function of the family in the contemporary era*. Tehran: Enlightenment and Women's Studies. (In Persian)

Ezazi, Shahla. (2011). *Transformation in the Role of Women*. Tehran: Elam. (In Persian)

Firouzabadi, A., & Farzizadeh, Z. (2010). Comparative Study of Past and Present Situation of Rural Women Economic Activities in Family (case study: Miandeh village, Soumeh - Sara county - Gilan province). *Community Development (Rural-Urban)*, 1(1), 35-65. (In Persian)

Forotan, Y., & Shojaei Qaleh-ni, M. (2020). Social Attitude towards Women's Employment in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 20(4), 33-47. (In Persian)

Ghaffari, R., & Turki Harchegani, M. (2011). A Study on the Effective Factors Influencing on Participation of Women and Girls in Development of Rural Areas of Charmahal Bakhtiyari (A case study in Farsan Villages). *Sociological of Studies of youth*, 2(3), 109-130. (In Persian)

Ghouse, S. M., Durrah, O., & McElwee, G. (2021). Rural women entrepreneurs in Oman: Problems and opportunities. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 27(7), 1674-1695. <http://dx.doi.org/10.1108/IJEER-03-2021-0209>

- Hamzehlou, B. (2002). *A comparative study of the limits of discretion and decision-making power of rural women in economic and social activities in Khomein County. Master's thesis (Rural Development)*. Isfahan, Isfahan University of Technology, Faculty of Agriculture. (In Persian)
- Hejazi, B. (2002). *Zaifeh (A Study of the Position of Iranian Women in the Safavid Era)*. Tehran: Qaseeda-Sara. (In Persian)
- Hejazi, B. (2006). *The women history: the Study of women seat from ancient history to the end of Sassanid age*. Tehran: Qaseeda-Sara. (In Persian)
- Ibnouf, F. O. (2012). The value of women's indigenous knowledge in food processing and preservation for achieving household food security in rural Sudan. *Journal of Food Research*, 1(1), 238. <http://dx.doi.org/10.5539/jfr.v1n1p238>
- International Labour Organization (2018). *International Labour Organization (ILO) Report*. https://open.unaids.org/sites/default/files/documents/ILO_Organizational%20report_2018.pdf. (In Persian)
- Jalilian, S., & Saadi, H. (2016). Investigation Effect of Socio- Economical Components on Rural Women's Psychological Empowerment in Islamabad Qarb County. *Rural Research*, 6(4), 745-766. <https://doi.org/10.22059/jrr.2015.57108>(In Persian)
- Jalilian, S., & Saadi, H. (2016). The Role of Rural Women's Home Business and Empowerment on Family Economic Decision-making (Case study: Islam-Abad Gharb County). *Regional Planning*, 6(21), 129-142. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1395.6.21.10.8>(In Persian)
- Javan, J., Yasuri, M., Rahnama, M., and Ahmadian Shalchi, M. (2008). Investigating the economic status of women-headed rural households (case study: Mashhad Qoli rural system). *Geography and Regional Development*, 7(11), 19-35. <https://doi.org/10.22067/geography.v6i11.4278> (In Persian)
- Karasi, Y. (2018). *Challenges faced by rural-women entrepreneurs in Vhembe District: the moderation role of gender socialization* (Doctoral dissertation).
- Komal, M., & Sharma, M. A. (2023). Redefining the Challenges Ahead of Women Entrepreneurship in India: A Review Article. *Journal of Pharmaceutical Negative Results*, 14(02), 423-426. <https://doi.org/10.47750/pnr.2023.14.S02.51>
- Kruzmetra, M. (2004). *Rural women empowerment: Actual task of rural development. Paper presented at the Sustainable Economic Development Conference*. March 3rd-5th, Jelgava, Latvia.
- Kumbhar, V. (2013). Some critical issues of women entrepreneurship in rural India. *European Academic Research*, 1(2), 185-192. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2043821>
- Lohsaizadeh, A., Jahangiri, J., & Khajeh Nouri, B. (2005). Study of Rural Women's Economic Participation (Case Study of Fars Province). *Iranian Journal of Sociology*, 6(3), 124-145. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1384.6.3.7.5> (In Persian)
- Malhotra, A., Schuler, S., & Boender, C. (2002). *Measuring women's empowerment as a variable in international development*. Gender and Development Group: World Bank.
- Mirlotfi, M., Bandani, M., & Shahraki, S. (2013). The role of the hidden work of women in rural household welfare (Case study: Rural women in Hamoon city). *Spatial Planning*, 3(3), 49-67. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22287485.1392.3.3.6.7>(In Persian)
- Mirtorabi, M., Hejazi, Y., & Hossein, M. (2012). Effect of Individual and Family Characteristics of Rural Women on Their Motivation in Participation in Agricultural Activities. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 10(1), 149-167. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2012.1416> (In Persian)
- Moatazad, Khosrow and Kasra, Niloufar (1990). *Politics and Harem (Women in the Qajar Era)*. Tehran: Elmi. (In Persian)
- Mohseni Tabrizi, A., Ghaffari, Gh., Nayebi, H., & Efati, M. (2010). Sociological Explanation of Women's Participation in Livelihoods of Rural Society (Case Study: North Khorasan province of Iran). *Village and Development*, 23(2), 157-179. <https://doi.org/10.30490/rvt.2020.283774.1053> (In Persian)
- Momsen, Janet. (2008). *Gender and Development*. Translated by: Fani, Z., Tehran: Center for Women's Studies and Research, University of Tehran. (In Persian)

- Moshiri, R., Mahdavi, M., & Oliayee, M. (2009). The Impact of Literacy and Labour of Women in the Rural Households' Income (A Case Study: The Divandareh Town, Kordestan Province). *Geography and Development*, 7(14), 69-82. <https://doi.org/10.22111/gdij.2009.1217> (In Persian)
- Mozaffar Amini, A., & Ahmadi Shapourabadi, M. (2010). An Evaluation of economic self-reliance of rural women and delineation of related economic factors (case study in two plain and desert regions of the center of Isfahan province). *Woman in Development & Politics*, 7(4), 7-29. (In Persian)
- Ndlangamandla, M. M. (2014). The Contribution of Indigenous Knowledge Use on the Livelihood of Rural Women in the Lowveld Region of Swaziland: A Case Study of Handicrafts. *Submitted in Part Fulfilment of the Requirements for the Degree of Master of Human Ecology*. In The Subject Human Ecology, At the University of South Africa.
- Osman, H., & Daneshmehr, H. (2024). Integration of the Rural Community into the Market Economy (The Place of Rural Tourists in Hawraman). *Community Development (Rural-Urban)*, 16(1), 209-228. (In Persian)
- Rankoana, S. A. (2016). Rainfall scarcity and its impacts on subsistence farming: the role of gender and religious rituals in adaptation to change. *Empowering Women for Gender Equity, Women, Religion, and Security*, 30(3), 124-131. <https://doi.org/10.1080/10130950.2016.1259867>
- Saleh, M. A. K., & Manjunath, K. R. (2020). Review of Historical and Temporary Challenges Facing Small and Medium Enterprises in Yemen. *International Journal of Trend in Scientific Research and Development*, 4(3), 752-764.
- Sorosh Mehr, H., Rafiee, H., Kalantari, K., & Shabanali Fami, H. (2011). Investigation of Socioeconomic Status of Rural Women and Effective Factors on its Improvement (Case Study: Hamedan County). *Rural Research*, 1(1), 143-165. (In Persian)
- Toloui, M. (1998). *From Peacock to Farah (Woman's Footprint on the Path of Contemporary Iranian History)*. Tehran: Elam. (In Persian)
- Zolfaghari, A., & Ghanei-Yakhdan, N. (2024). Meta-Analysis of Factors Affecting Rural Women's Entrepreneurship (Studies in the Period of 2011-2022). *Community Development (Rural-Urban)*, 15(2), 409-427. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363424.668809>(In Persian)